گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۸۵۷۱
چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱ ۱۶:۴۸

گام به گام تا موفقیت در کسب و کار با احمد باقری مدرس و مشاور توسعه کسب و کار؛

گام هشتم؛ خلاقیت ذاتی خود را آزاد کنید

بر اساس این قانون قانون علت و معلول برای هر معلوم مانند: "موفقیت در کسب و کار"، "درآمد سطح بالا" و ...علت یا علت هایی وجود دارد اگر کاری را که سایر موفق ها انجام می دهند شما هم انجام بدهید سرانجام به همان نتایج آنها می رسید.
هرچه این موارد را بیشتر تمرین کنید نتایج بهتری به دست می‌آورید وقتی این نقطه نظرها را آموختید می توانید آنها را بارها و بارها تمرین کنید این گونه در سطح پیشتازان حرفه خود قرار می گیرید.

به گزارش خبرنگاران گروه علم و فناوری گزارش خبر، خود را یک شخص باهوش و حتی یک نابغه ببینید با این توجه کنید که شما از خلاقیت فراوانی برخوردارید که هرگز از آن استفاده نکرده اید.
بارها و بارها به صدای بلند بگویید: "من یک نابغه هستم من یک نابغه هستم من یک نابغه هستم."
ممکن است مبالغه آمیز به نظر برسد، اما این طور نیست. واقعیت این است که هر کسی در زمینه هایی می تواند نابغه باشد. شما هم همین حالا در خود از توانمندی های برخوردارید که قبلا از آن بی‌خبر بودید.
شما از این توانمندی برخورد دارید که از حد همه موفقیت های گذشته خود فراتر بروید. شما از ذخایر خلاقیت هنگفتی بهره دارید. همانطور که دنیس ویتلی می گوید:
"توانمندی های بالقوه شما به اندازه‌ای است که اگر یک صد بار متولد شوید و بمیرید، باز هم نمی توانید از همه آنها استفاده کنید."

از استعداد های مادرزادی خود استفاده کنید
یکی از هدف های عمده شما در زندگی با این باشد که استعدادهای ویژه خود را شناسایی کنید و بعد بکشید این استعدادها را رشد بدهید و آنها را به سطح بالا برسانید. این گونه است که می‌توانید بدرخشید.
در جریان یک آزمون، ۹۵ درصد کودکان کم سال در سطح نابغه ظاهر شدند، اما وقتی همین ها در دوران بلوغ آزمون شدن تنها ۵ درصد در سطح عالی خلاقیت ظاهر شدند. آنها در این فاصله آموخته بودند:
"خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو".

چگونه استعدادهای ویژه خود را ردیابی می‌کنید
به چندین طریق می توانید به استعداد های خود پی ببرید.
اول، این کاری است که آن را دوست دارید وقتی این کار را نمی کنید، به این فکر می کنید که چگونه می توانیم به انجام دادن آن کار روی بیاورید.
دوم، این کاری است که توجه شما را به طور کامل به خود جلب می‌کند. وقتی کاری را که مناسب آن هستید انجام می دهید، گذر زمان را فراموش می کنید. اغلب غذا خوردن را فراموش می کنید، نوشیدن را از یاد می برید، استراحت را فراموش می کنید. سوم، می‌خواهید درباره آن مطالب بیشتر بیاموزید و در زندگی خود در این کار بهتر شوید. شما تشنه خواندن کتاب ها و گوش دادن به نوارهای درباره این کار هستید.
چهارم، مجبوری درباره آن حرف بزنید، بحث کنید، مطلب بنویسید و با کسانی که این کار را می‌کنند معاشرت نمایید.
گاه از اشخاص می شنوید که می گویند: "وقتی سرکار هستم کارم را می کنم اما وقتی کارم را ترک می کنم دیگر به آن نمی اندیشم." کسی با این مشخصات با کاری که می کند آینده محدودی را انتظار می کشد. کسی که وقتی سر کارش نیست به کارش فکر نمی‌کند مناسب آن کاری که می کند نیست.
پنجم، و احتمالاً موردی که بیش از تمامی موارد استعداد شما را مشخص می کند، این است که شما در آن کار به سادگی می‌آموزید و به سادگی انجام می دهید.
در واقع فراموش می کنید که آن را چگونه آموختید برایتان کار ساده‌ای بود و به نظر می‌رسد که این ابراز طبیعی شخصیت شماست. آن را به راحتی و به طرزی عالی انجام می دهید.
یکی از دلایل نرسیدن به سطح بالای موفقیت در این است که، خیلی ها خودشان را انسان های متوسط در نظر می گیرند و هرگز خود را استثنایی ارزیابی نمی کنند.
به اشخاصی که بهتر از آنها عمل می کنند، نگاه می کنند و فرض را بر این می گذارند که این اشخاص بهتر از آنها هستند.
اما اگر این گونه فکر کنند، به این نتیجه می رسند که اگر کسی بهتر باشد، معنایش این نیست که آنها بدتر هستند.
اگر کسان دیگری با ارزش تر باشند آنها کم ارزش تر می شوند.
این احساس متوسط و معمولی بودن می‌تواند سببی باشد تا عملکرد معمولی پیدا کنند و حال آن که ممکن است در موارد به واقع در شرایط بهتری قرار داشته باشند.